Daca (Türk) 21284

MA[illegible]
SONRA [illegible]AN
17 TEMMUZ 1999

IRCICA 36492

دانشنامه جهان اسلام. (۲)، تهران، ۱۳۷۵

و ماهی از طریق رود ایرتیش[1] و رودهای قابل قایقرانی به صفحات ترکستان و ماوراءالنهر برده و در عوض محصولاتی چون کاغذ و میوه‌های خشک‌شده و اشیای زینتی و مصنوعات فلزی به سیبریه و نواحی شمالی آورده می‌شد. عده‌ای از بازرگانان بخارایی که بخش عمدهٔ این داد و ستد اقتصادی را در دست داشتند به نواحی اومسک و تیومن کوچ کردند و در آن نقاط ساکن شدند؛ در آنجا با تاتارهای بومی درآمیختند و با گذشت زمان زبان تاتار را برگزیدند و دین اسلام را در میان آنها رواج دادند.

آمیزش بخاراییان سیبریه با تاتارها به حدّی است که تعیین کردن عدهٔ آنها عملاً ممکن نیست. در سرشماری ۱۳۰۵ش/ ۱۹۲۶ دولت شوروی، عدهٔ آنها ۱۲٬۰۱۲ تن برآورد شده است. از آن پس با توجه به سیاستهای حکومت شوروی در ادغام گروههای کوچک قومی در گروههای بزرگتر و نیز ضرورت آمیزش بیشتر اقوام با یکدیگر، بخاراییان سیبریه به عنوان گروهی مستقل به شمار نیامده و با اقوام تاتار یک گروه شناخته شده‌اند وازینرو آمار دقیقی از آنان در دست نیست.

از بخاراییانی که نزدیک توبولسک[2] زندگی می‌کنند، گروه مستقلی نیز نزدیک تومسک[3] دیده شده است. بخاراییان سیبریه به گویشهای محلی تاتار تکلّم می‌کنند، اما در زبان آنها تعداد زیادی واژهٔ فارسی دیده می‌شود. زبان ادبی تاتاری رایج در قازان، زبان کتبی بخاراییان سیبریه است.

/ **بنیگسن** (*د. اسلام*)؛ با اضافاتی از (*د.ج.اسلام*) /

بخارایی، وجیه، شاعر، مترجم، مستشرق و زبان‌شناس مسلمانِ آلبانیایی. در ۱۲۹۸ش/۱۹۲۰ در شهر برات در خانواده‌ای علاقه‌مند به زبان وادبیات فارسی به دنیا آمد.

او به زبانهای فارسی، ترکی، عربی، انگلیسی، روسی، فرانسه، آلمانی و لاتین تسلّط داشت. در ۱۳۳۸ش/۱۹۶۰ *گلستان* و *بوستان* سعدی را به آلبانیایی ترجمه و منتشر کرد که بر اثر استقبال بسیار، نسخ آن بسرعت نایاب شد. در دههٔ پنجاه ش/هفتاد به ترجمهٔ دیوانِ فارسی *تخیّلات*، سرودهٔ نعیم فراشری، بنیانگذار فرهنگ و ادبیات آلبانی پرداخت. همچنین در اواخر عمر، که مورد بیمهری حاکمیتِ پیشین آلبانی واقع شده بود، به طور پنهانی حدود ده هزار بیت از *شاهنامهٔ* فردوسی را به آلبانیایی ترجمه کرد. وی در وضعی دشوار و در حالی که تحت نظر حکومت بود، در ۱۳۶۵ش/۱۹۸۷ درگذشت.

بخارایی شعر نیز می‌سرود و اشعارش متأثر از فرهنگ ایران است و چون در معرّفی فرهنگ و ادبیات ایران به مردم آلبانی سهم عمده‌ای دارد، سفارت جمهوری اسلامی ایران، به چاپ کتابی دربارهٔ شخصیت، اشعار و ترجمه‌های او، با عنوان <وجیه بخارائی: انسان، شاعر، دانشمند ۱۹۲۰–۱۹۸۷>[4] اقدام کرده است. احمد کندو، مورّخ معاصر و دوست وجیه، این کتاب را در پنج سال و در دویست صفحه تألیف کرده که شامل شش فصل است که عبارت‌اند از: اشعار وجیه در سالهای [۱۳۱۷ تا ۱۳۲۱ش] ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۳؛ افکار و اوضاع اسلامی؛ ادب فارسی و ترکی؛ فردوسی، سعدی و نعیم فراشری؛ اوضاع آلبانی در قرون وسطی؛ اوراقی از اوضاع تاریخی و خودمختاری در برات. احمد کندو دربارهٔ این کتاب می‌گوید: اگر چه این مجموعه دربارهٔ وجیه است، اما ادب فارسی را نیز در آلبانی می‌شناساند و به ایرانیان نشان می‌دهد که در آلبانی کسانی وجود داشتند که کاملاً به فرهنگ آنان آشنا بودند.

منابع:

Ahmet Kondo, *Vexhi Buharaja: njeriu, poeti, dijetari, 1920-1987*, Tiranë 1995.

/ **وحید فرمند** /

بخارست ← بوکرش

بخارلیق ← بخاراییان سیبریه

Md. yok

بخاری، وسیله‌ای گرمازا برای فضاهای سربسته. بخاری یا به صورت اجاقی است تعبیه شده در جوف دیوار، همراه با هواکشِ درون دیواری و یا ابزاری است مستقل از آهن، چدن یا جز آن که هیزم، نفت یا سوخت دیگر در آن می‌سوزانند؛ و دود آن، از راه لولهٔ بخاری، به مجرایی در دیوار هدایت و به بیرون منتقل می‌شود.

۱) **نام و پیشینه.** واژه‌ای عربی ـ فارسی است (معین، ذیل «بخاری») که نخستین بار در شعر اثیرالدین اومانی، شاعر قرن هفتم، ذکر و وصف شده است (ص ۵۷، حاشیه؛ صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۴۰۳ـ۴۰۴). برای وسایل گرمازا واژه‌های دیگری نیز به کار می‌رفته است (امیر معزی، ص ۵۳۹؛ انوری، ص ۲۴۲؛ خاقانی، ص ۱۳۴) که از آن میان می‌توان به آتشدان، کانون، کرسی، کَلَکْ، منقل، مُنقُله (آنندراج)؛ تفکده، دودگاه، دودگند، ساداک (نفیسی)؛ و مَغرِب (*ایرانیکا*، ذیل «آتشدان») اشاره کرد.

بامطالعهٔ ابزارهای ساختهٔ دست انسان پیش از تاریخ به روشهای استفادهٔ او از آتش پی‌برده‌اند. او علاوه بر استفادهٔ گرمایشی، آن را در پختن غذا (رشیدالدین فضل‌الله، ص ۲۲۵) و مراسم مختلف (مصطفوی، ص ۶۷) و غیرآن نیز به کار

---

[1] Irtysh/Irtish [2] Tobol'sk [3] Tomsk [4] *Vexhi Buharaja*: *njeriu, poeti, dijetari, 1920-1987*